

بررسی تطبیقی عملکرد انقلاب اسلامی ایران و اخوان المسلمین مصر در فرآیند دولت سازی


بهزاد قاسمی (نویسنده مسئول)^۱

بهادر شهریاری^۲

چکیده

پژوهش حاضر به روش کیفی و با استفاده از تکنیک توصیف و تحلیل و با ابزار فیش برداری از منابع کتابخانه‌ای، اسناد و مدارک معتبر علمی انجام گرفته است. (روش) این موضوع در امتداد دولت سازی مورد بررسی واقع شده و سوال اصلی مقاله چنین مطرح شده که؛ علت و زمینه‌های موفقیت نهضت اسلامی ایران در دولت سازی و ناکامی اخوان المسلمین چه بود و عوامل موثر بر آن کدامند؟ (سوال) مفروضه پژوهش این است که نظام برآمده از نهضت اسلامی در ایران مبتنی بر اصول اسلامی و مردمسالاری دینی عمل کرده و اخوان المسلمین مصر چنین نبوده و در برپایی نظام سیاسی با ابزارهای دموکراسی نیز ناموفق بود. (فرضیه) علاوه بر آن انقلاب اسلامی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه دولت اسلامی را تاسیس کرد؛ این در حالی بود که در مصر و توسط اخوان المسلمین یک نظریه مورد قبول همه گروه‌ها و برخاسته از منظومه فکری و فقهی اهل سنت شکل نگرفته بود. (یافته)

کلیدواژه‌ها: انقلاب، ایران، مصر، نظام سیاسی، اسلام.

۱. دکتری تاریخ انقلاب اسلامی و استادیار دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، تهران، ایران.
ghasemi.b1981@gmail.com  <https://orcid.org/0000-0003-0086-2535>

۲. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)، تهران، ایران.

۱. مقدمه

هدف پژوهش بررسی تطبیقی عملکرد نهضت اسلامی ایران و اخوان المسلمین مصر است. اهمیت تحقیق شناخت زمینه و علل موفقیت نهضت اسلامی ایران در دولت سازی مبتنی بر شریعت اسلام و عدم موفقیت اخوان المسلمین در مصر است. با عنایت به اینکه؛ بیداری اسلامی در میان مسلمین ریشه در بازگشت به اسلام و پیاده سازی شریعت و موازین اسلامی در تمام شئون زندگی فرد و اجتماعی قرار دارد. گفتنی است که مسلمین جهان در گذشته تاریخی خود همواره مورد تهاجم قدرت های استکباری، سلطه و اشغال بیگانگان بوده اند. بیداری اسلامی و تلاش در جهت رهایی از استبداد و استعمار موجب شکل گیری نهضتها و جنبش های اسلامی شد. گسترش و توسعه بیداری اسلامی در جهان اسلام معاصر مطالبات زیادی را به همراه داشته است، از مهم ترین آن ها دولت سازی مبتنی بر اصول اسلامی بوده است. بیداری اسلامی و دولت سازی به عنوان مسئله اصلی و کلان پژوهش، بررسی عملکرد نهضت اسلامی ایران و اخوان المسلمین به عنوان بخشی از جهان اسلام و در کانون مرکزی بیداری اسلامی در جهان اسلام با مرکزیت جهان تشیع و جهان عرب اهل تسنن مورد بررسی قرار گرفته است. اهمیت این مقاله شناخت مبانی و محورهای مشترک بین ایران و مصر برای برون رفت از وابستگی و استقلال خواهی و تاسیس دولت و حکومت مبتنی بر مردمسالاری و نظام دموکراتیک اهمیت دارد. اهمیت دیگر این پژوهش کاربردی کردن و استفاده نتایج حاصل از آن است که با امکان جهت دار کردن فهم و تفکر جنبش های اسلامی و انقلابی با حضور آن ها در تعیین سرنوشت سیاسی و رهایی از محدودیت های پیش رو است. اهمیت دولت سازی اسلامی علاوه بر حوزه داخلی ایران و حیاتی بودن این موضوع بر آینده نهضت های اسلامی در روند مردم سالاری دینی تاثیر گذار خواهد بود. آسیب شناسی اخوان المسلمین مصر در فرایند نظام سیاسی نیز به عنوان یک موضوع در جهت رفع موانع و چالش ها مورد مطالعه جدی قرار گیرد. عدم بررسی عملکرد نهضت های اسلامی و بهره نگرستن از تجارب موفق و آسیب شناسی به موقع بیداری اسلامی در سراسر جهان اسلام، علاوه بر اینکه نیل به دولت اسلامی را دچار مشکل می کند؛ از سوی دیگر خلاء پژوهشی در این زمینه نهضت های کنونی و آینده را در شناخت صحیح مسیر بیداری اسلامی، دچار خطا خواهد کرد.

۱-۱. مسئله و سوال اصلی پژوهش: مسئله اصلی پژوهش در این نوشتار تبیین

دولت سازی و فرایند نهضت های اسلامی در جهت برپایی حکومت دینی است. محور اصلی پژوهش بررسی و مطالعه دولت سازی پس از انقلاب و تحلیل تطبیقی عملکرد نهضت اسلامی ایران و مصر است. بررسی ها حاکی از آن است که، نهضت اسلامی ایران در فرایند دولت سازی موفق عمل کرده و جمعیت اخوان المسلمین چنین نبوده است. علت آن نیز در تفاوت اندیشه سیاسی، تغییر در رویکرد اندیشه سیاسی در اخوان المسلمین، نبود رهبری در انقلاب و برخی متغیرهای دیگر بوده است.

۱-۲. پیشینه تحقیق: بر اساس مطالعه و جستجوهای انجام شده درباره عملکرد نهضت اسلامی ایران و مصر در تاسیس دولت اسلامی به صورت مطالعه تطبیقی اثر مستقل نگارش نیافته است. بررسی های انجام شده، نشان می دهد؛ برخی از پژوهشگران و محققان انقلاب مصر در زمینه نظام سیاسی را مورد نقد و بررسی قرار داده و همچنین نهضت اسلامی ایران را مورد مطالعه و بررسی جداگانه قرار داده اند. اگر چه بیداری اسلامی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی سال ۲۰۱۱ و پس از آن نیز مورد توجه قرار گرفته است. مطالعه بیداری اسلامی و دولت سازی در جهان اسلام کمتر مورد مطالعه واقع شده، با بررسی آن می توان به نتایج جدیدی دست یافت. درباره پیشینه پژوهش نیز گفتنی است که، پس از بررسی و مطالعه منابع مختلف پیرامون موضوع به برخی منابع و اسناد و مدارک کتابخانه ای و علمی منتشر شده در این زمینه می توان اشاره کرد؛

محمد مهدی اسماعیلی (۱۳۹۹) مقاله «تعامل جنبش های اصلاحی جهان اسلام: اخوان المسلمین و نهضت اسلامی ایران از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۹»، نتایج این پژوهش اشاره دارد به اینکه نهضت اسلامی ایران بر آمده از اندیشه سیاسی تشیع و فقه سیاسی شیعه بوده که بر اساس آن ادبیات مبارزه تولید کرده است و از طریق تعامل بین نهضت اسلامی ایران با اخوان المسلمین مصر آثار زیادی بین این دو جریان سیاسی و اسلامی ترجمه شده و افکارشان گسترش یافته است.

رضا امیری مقدم و دیگران (۱۳۹۹) مقاله «آسیب شناسی بیداری اسلامی در کشورهای مصر، تونس و لیبی»، نتایج این مقاله در پی تحلیل آسیب های اساسی بیداری اسلامی در مصر است. مهم ترین آسیب ها به ترتیب مربوط به امور نظامی امنیتی، ایدئولوژی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده و فقدان آرمان واحد میان انقلابیون، نبود رهبری جامع، وابستگی

اقتصادی و وجود و نفوذ بازماندگان نظام پیشین در مصر و نقش مخرب آمریکا در انقلاب مصر از مهم‌ترین موارد انحراف انقلاب در مصر بود.

امیر حسین مرادی پور دهنوی و محمد ستوده (۱۳۹۸) مقاله «بررسی عوامل سیاسی - اجتماعی ناکامی‌های بیداری اسلامی در مصر بر اساس مکعب بحران» نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین زمینه سقوط دولت اخوانی از نزاع‌ها و رقابت‌های ایدئولوژیکی زمان انقلاب بین قبطیان، صوفیان و سلفیان شکل گرفت. فقدان رهبری، عدم عملکرد مناسب بین انقلابیون و مردم، عدم تغییر سران نظام مبارک پس از انقلاب، عدم حمایت سیاسی و اجتماعی الازهر از دولت انقلابی و ناتوانی دولت اخوانی در دولت‌سازی و نهادسازی و دخالت‌های آمریکا و اسرائیل کودتا و فروپاشی نظام سیاسی پس از انقلاب را تسهیل کرد.

محمد راد مرد (۱۳۹۹) مقاله «موضع پهلوی دوم در قبال اپوزیسیون مذهبی در وضعیت انقلابی»، نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد انقلابی امام خمینی (ره) و سازش ناپذیری ایشان سبب شد که رژیم پهلوی برای بقا خود به جریان‌های میانه رو متوسل شده و نتواند جریان مذهبی و اپوزیسیون را از بین ببرد.

کامران گشنیز جانی و علی محمد حاضری (۱۳۹۹) مقاله «مطالعه تطبیقی تاثیر ساختارهای فرصت‌سیاسی بر فرجام جنبش‌های اسلام‌گرا در انقلاب‌های ایران و مصر»، نتایج این مقاله نشان می‌دهد بالاتر بودن تقابل تاریخی بین روحانیون و کنشگران دینی - سیاسی غیرروحانی در مصر، امکان تجمیع منابع در یک جبهه واحد اسلامی را در مقایسه با ایران دشوار کرد. استقلال نیروهای مسلح از شخص اول در مصر و امکان حفظ آن‌ها در برهه انقلاب به عنوان مانعی ساختاری در برابر موفقیت جنبش اسلام‌گرا را تقویت کرد. مصر بر خلاف ایران در دهه‌های منتهی به انقلاب شاهد نوعی عقب‌نشینی از سکولاریسم دولتی بود که در کنار بهره‌مندی نهادهای دینی از بودجه‌های دولتی منجر بر تقویت رضایت و نفوذ اسلام محافظه‌کار شد و موفقیت جنبش اسلام‌گراها بر پایه مبارزه سیاسی را تضعیف کرد.

محمد حسن شیخ الاسلامی و دیگران (۱۳۹۸)، مقاله «ناکامی فرایند دموکراسی در مصر بعد از انقلاب ۲۰۱۱ از منظر نظریه عجم اوغلو - رابینسون»، نتایج بدست آمده از این مقاله در صدد است که نشان دهد وابستگی ساختاری اقتصاد به خارج، تاثیرپذیری مصر از نوسانات اقتصادی بین‌المللی، گرایش جامعه مدنی به نظامیان و ارتش، تلاش وابستگان به مبارک و ارتش

برای افزایش هزینه انقلابیون و بالا بردن خرج انقلاب و همچنین زیرساخت‌های وابسته مانع از بروز و شکل‌گیری دموکراسی در مصر شد.

مصطفی قاسمی، محمد علی بصیری و عنایت الله یزدانی (۱۳۹۹) مقاله «روابط جمهوری اسلامی با اخوان المسلمین؛ از همسویی استراتژیک تا رقابت ایدئولوژیک» نتایج بدست آمده از این مقاله در صدد است که نشان دهد و توصیه نماید به دلیل اینکه نظام سیاسی برآمده از انقلاب مصر ماهیت ایدئولوژیک داشته و انقلاب اسلامی ایران نیز مبتنی بر اندیشه و جنبش شیعی توانست در ایران نظام مبتنی بر فقه سیاسی شیعی و مبتنی بر ولایت فقیه تاسیس نماید. در نتیجه این دو دچار رقابت و اصطکاک‌های ناشی از مباحث اندیشه‌ای شد. توصیه نموده است که مطلوب‌ترین سطح روابط بین ایران و اخوان در سطح دولت - جنبش و در مرتبه راهبرد امتناع دولت - استمرار نهضت تعریف و پیگیری شود.

احمد رهدار، غلامرضا بهروزی لک و حامد اسلامی (۱۳۹۹) مقاله «تحلیل روند ایده پردازی پیرامون نهاد ولایت فقیه در دوره دوم جمهوری اسلامی» نتایج مقاله نشان می‌دهد که روند ایده پردازی پیرامون ولایت فقیه به دلیل مشروعیت ولی فقیه، گشودگی حوزه عمومی، تقویت نهادهای دینی و مسائل مستحدثه سمت و سوی جدیدی یافته است. موضوع ماهیت و مشروعیت ولایت فقیه و باز تفسیر ولایت فقیه در فضای عمومی بیشتر مطرح شده است. ولی عوامل رسمی و غیر رسمی محدود کننده برای تداوم دوران تثبیت نظام جمهوری اسلامی وجود دارد، مخالفت از سوی برخی نهادهای رسمی و غیر رسمی از عوامل مهم موانع ساز یاد شده است.

علیرضا استادیان خانی و محمد اصغریان دستنایی (۱۳۹۹)، مقاله «واکاوی فرایند رویارویی پهلوی دوم با نهاد روحانیت از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷» نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که پهلوی دوم و شخص محمدرضا شاه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با برخورد مخالفان سیاسی خود به صورت خاص بعد از رحلت آیت الله بروجردی در برخورد با روحانیت (حوزه علمیه، مرجعیت و روحانیون) را تشدید کرده و بصورت خاص برخورد کرد.

احمد ترحمی بهابادی، عنایت الله یزدانی و محمد علی بصیری (۱۳۹۹)، مقاله «تبیین مولفه‌های موثر بر سقوط دولت محمد مرسی و افول جنبش اخوان المسلمین در مصر» نتایج این پژوهش در علت‌یابی و تحلیل علل افول نظام سیاسی مصر پس از انقلاب به نقش ضعیف

محمد مرسی، شکاف عمیق در جامعه مصر، ناهنجاری‌های سیاسی و اجتماعی ریشه دار، انحصارگرایی اخوان المسلمین و ناتوانی در مدیریت را اشاره و بررسی کرده است.

عبدالرضا عالیشاهی، حسین مسعود نیا و یونس فروزان (۱۳۹۹)، مقاله «گذار به موج دوم انقلاب: تجزیه و تحلیلی بر عملکرد دولت اقتدارگرایی عبدالفتاح السیسی در مصر پس از انقلاب» نتایج این پژوهش کشاکش بیداری اسلامی در مصر پس از انقلاب را بررسی کرده و مصر پس از سقوط حکومت افسران جوان را در سطح سیاسی و اجتماعی ناموفق دانسته است. مقاله اذعان دارد که مصر نتوانست پس از انقلاب یک الگوی دولت مبتنی بر دموکراسی در جهان را تاسیس کند و در واقع جهان عرب نیز در این مسیر ناکام مانده است. مصر در عرصه سیاسی و اقتصادی دستاورد قابل توجهی نداشته و اصلاح قانون اساسی و برگزاری انتخابات مهندسی شده و به صورت نمادین و تشریفاتی بود. همه اقدامات در راستای ابقا قدرت یعنی اصل بقا، فساد مالی گسترده به خصوص توسط دستگاه دولتی سیسی، افول اقتصاد و بازگشت و استمرار استبداد از پسامدهای آن بوده است.

حسن احمدیان (۱۳۹۸)، مقاله «مبانی حکمرانی اخوان المسلمین در مصر و چالش‌های تحکیم نظام جایگزین» نتایج این پژوهش غیر ممکن شدن استمرار نظام انقلابی و اسلامی در مصر را در فضای آشوب زده مصر، سلطه ارتش و دشواری حضور مردم در تحولات سیاسی جامعه تحلیل و بررسی کرده است.

با بررسی پیشینه پژوهش‌های انجام شده در زمینه بیداری اسلامی و دولت سازی؛ بررسی تطبیقی عملکرد نهضت اسلامی ایران و اخوان المسلمین مصر از یک سو اهمیت این موضوع آشکار شده و نشان می‌دهد که همچنان موضوع مطالعه تطبیقی عملکرد نهضت اسلامی ایران و مصر محل پژوهش و در خور تحقیق و پردازش است. از سوی دیگر وجه تمایز مقاله حاضر با سایر پژوهش‌های انجام شده است که در اینجا با رویکردی نو و با ارائه مصادیق و داده‌های مستند متناسب انجام شده است.

۲. چارچوب نظری پژوهش

بیداری اسلامی در منظومه فکری مسلمین و در اندیشه متفکران مسلمان دارای مفهوم و ماهیت ویژه است. بیداری اسلامی در تاریخ معاصر جهان اسلام پیام بازگشت به دین و عصر آزادی،

استقلال، پیاده‌سازی اصول دینی و هنجارهای اسلامی و ارزش‌ها در جامعه را دارد. بیداری اسلامی یعنی باور به دین و پیاده‌سازی آن در عرصه فردی، اجتماعی و سیاسی است. بیداری اسلامی توسط مصلحان و متفکران در جهان اسلام معاصر مطرح شده است. باور و پذیرش بیداری اسلامی در قالب نهضت اسلامی، جنبش‌های اسلامی و انقلاب اسلامی تجلی و بروز کرده است. امروزه بیداری اسلامی در قالب و چارچوب مردم‌سالاری دینی، نظام دموکراتیک اسلامی، دموکراسی بر اساس آموزه و شریعت دینی در جهان اسلام در صدد تاسیس دولت اسلامی و دولت‌سازی هستند. در اینجا نهضت اسلامی ایران و جماعت اخوان المسلمین مصر به عنوان بیداری اسلامی مورد بررسی واقع شده است.

جریان‌های اسلامی در پرتو بیداری اسلامی در صدد تاسیس دولت بر مبنای اصول و شریعت اسلامی هستند، اندیشه و اذهان نهضت‌ها مبتنی بر اسلام سیاسی و بازتولید گفتمان انقلابی برای تاسیس دولت هست. هدف جنبش‌ها و نهضت‌های اسلامی این است که تمام شئون زندگی مسلمانان و جوامع اسلامی هم‌چون سیاست، اجتماع، فرهنگ، اقتصاد، قانون اساسی، آداب اجتماعی و سایر امور بر محور دین اسلام پیگیری و عمل شود. نهضت‌های اسلامی کوشش ویژه بر رهایی بخشی جهان اسلام از بیگانگان، دوری جستن از تقلید در نظام‌سازی، استقلال فرهنگی و تاکید بر فرهنگ و تمدن اسلامی دارند (البنّا، ۱۳۵۸: ۴-۴۸؛ امام خمینی، ۱۳۷۶: ۱۰-۶۵). برای نمونه حسن‌البناء به عنوان مصلح دینی در مصر به دنبال تاسیس نظام سیاسی مبتنی بر اسلام بود، حسن‌البناء به دنبال ساخت دولت بر پایه دین و بازگشت به اسلام اولیه بود. حسن‌البناء برای دولت‌سازی نیازمند جمعیت و جوانان انقلابی بود و به همین جهت وی به تشکیلات نظامند می‌اندیشید. البناء برای پیاده‌سازی اندیشه خود در مصر در سال ۱۹۲۸ اخوان المسلمین تاسیس و دعوت را آغاز کرد (البنّا، ۱۳۵۸: ۱۰-۱۵). امام خمینی (ره) نیز دولت‌سازی بر پایه اسلام و مبتنی بر فقه سیاسی تشیع را یک ضرورت می‌دانست. امام در این باره اشاره داشت ولایت فقیه از موضوعاتی است که تصور آنها موجب تصدیق می‌شود و چندان به برهان احتیاج ندارد؛ به این معنی که هرکس عقاید و احکام اسلام را حتی اجمالاً دریافته باشد، چون به ولایت فقیه برسد و آن را به تصور آورد، بی‌درنگ تصدیق خواهد کرد و آن را ضروری و بدیهی خواهد شناخت. (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۳). دولت‌سازی در اندیشه و عمل اجرایی امام خمینی (ره) مبتنی بر ارای مردمی بوده که در راستای اجرای احکام اسلامی و دینی قرار داشت.

از آنجا که دولت سازی برخاسته از مبانی سیاسی و جهان بینی است، دولت های اسلامی و غیر اسلامی با هم تفاوت دارند. هر دولت و نظام سیاسی از منظر خود به انسان، جامعه و جهان هستی و اداره و مدیریت جامعه می اندیشد. در نتیجه اهداف دولت ها نیز متفاوت هستند. بر اساس توصیف انجام شده از رهبران نهضت اسلامی در ایران و مصر هدف آن ها تاسیس نظام سیاسی بر اساس مبانی و اصول اسلامی بوده است. در نتیجه شریعت اسلامی و مبانی و مولفه های آن دولت را شکل داده است. دولت دینی و دولت سازی بر اساس دین به این معنا است که انتخاب و گزینش حاکمان، صفات و اختیارات و وظایف آن ها، نقش حاکمان، جهت گیری، آرمان و اهداف دولت ها باید مبتنی بر اراده الهی و سنت و متون دینی باشد. دولت سازی اسلامی جز قانون الهی نیست. در دولت سازی اسلامی میزان رجوع انقلابیون، رهبران انقلابی به مولفه، شاخص ها و آموزه های دینی مورد بررسی و سنجش واقع شده است. استناد به دین در دولت سازی، پذیرش دین به عنوان مرجع، پیوند دین و سیاست، کوشش در دولت سازی اسلامی در اهل تسنن بر اساس نظریه (اهل حل و عقد، استخلاف، شورا و استیلا) و تشیع (دوره معصوم امام، در دوره ولایت فقها و ولی فقیه) بصورت مقایسه بررسی شده است. در نتیجه نهضت اسلامی ایران و جماعت اخوان المسلمین مصر در فرایند دولت سازی مبتنی بر این نوع نگرش و بر اساس دین اسلام بررسی شده و عملکرد هر یک در فرایند انقلاب و پس از آن بصورت تطبیقی مورد کنکاش و تحلیل واقع شده است.

۳. روش تحقیق

روش مورد استفاد در پژوهش حاضر از نوع هدف بنیادی است. اگر چه این تحقیق از نوع تحقیقات بنیادی و نظری به شمار می آید؛ ولی نتایج حاصل از آن می تواند استفاده کاربردی داشته و تنها محدود به توسعه دانش و مطالعه تطبیقی و سنجش دو نهضت اسلامی در دولت سازی اسلامی نباشد. علاوه بر آن ماهیت و نوع تحقیقات بنیادی به جهت ارائه ریشه و مبانی تحولات و پدیده ها راهگشای سایر مطالعات و بررسی ها قرار می گیرد. در نتیجه نتایج حاصل از این پژوهش نیز می تواند مقدمه ای برای تحقیقات بعدی نیز باشد. تحقیق بنیادی با استفاده از روش کیفی انجام شده است. روش مزبور با استفاده از تکنیک توصیف، تطبیق و تحلیل و با ابزار فیش برداری از منابع کتابخانه ای، اسناد، مدارک، منابع معتبر علمی انجام گرفته است.

۴. عملکرد انقلاب اسلامی در فرایند دولت سازی اسلامی

تغییراتی که در نهضت اسلامی ایران با رهبری روحانیت شیعی و با مرکزیت و نقش محوری امام خمینی (ره) به وجود آمد، نهضت اسلامی را وارد روند دولت سازی بر اساس شریعت اسلامی و فقه سیاسی شیعی کرد. گفتنی است که روند تاسیس حکومت مبتنی بر اسلام در دوره مشروطه ایران نیز مطرح شد؛ ولی موفق نبود. امام خمینی (ره) با تئوری سازی پیرامون تاسیس نظام سیاسی توانست دولت سازی نماید. در اینجا روند تاریخی و فرایند اندیشه سیاسی به صورت مختصر بررسی خواهد شد.

۴-۱. روند تاریخی نهضت اسلامی ایران

ریشه و زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری نهضت امام خمینی (ره) به زمان پیش از محمدرضا پهلوی بر می‌گردد. امام خمینی (ره) که تحولات سیاسی و فرهنگی دوره رضاشاه را درک کرده بود، اقدامات وی را فریبنده و ضد دین و شریعت می‌دانست. امام در توصیف زمانه پهلوی اول فرمودند: «در کودتای رضاشاه، ناظر قضایا بوده‌ام، کارهایشان گاهی به ظاهر خیلی فریبنده بود، لکن بر خلاف مسیر ملت بود. وقتی که او آمد ابتدائاً شروع کرد به اظهار دیانت و اظهار چه و روضه خوانی و سینه زنی و گاهی ماه محرم در (تهران) همه تکیه‌هایی که در تهران بود، می‌رفت، می‌گریست، خودش تا وقتی که سوار مطلب شد، سلطه پیدا کرد... تا قبل از این که قدرت پیدا کرد، درست بر ضد آن کارهایی که کرده بود، شروع کرد به فعالیت، منجمله همین آدمی که این دستگاه روضه را داشت همچون قدغن کرد به دستگاه خطابه و وعظ و روضه و همه اینها را...» (خمینی، ۱۳۷۸: ۴/۷). علاوه بر تناقض رفتاری رضاشاه، وی تمایل زیادی به غربی سازی سیاسی، فرهنگی و اقتصاد ایران داشت. رضاشاه برای تداوم دیکتاتوری خود از هر ابزاری استفاده کرده که آن اقدامات با اسلام و روحانیت در تضاد بود. از زمان تاسیس رژیم پهلوی، رضاشاه همواره به دنبال نوسازی ایران به سبک غربی بود، برنامه خود را تا زمان اشغال ایران توسط متفقین در سال ۱۳۲۰ دنبال کرد. اقدامات رضاشاه در زمینه فرهنگ تعارض زیادی با فرهنگ دینی و اسلامی ایران داشت. بعد از جایگزینی محمدرضا شاه به جای پدر گرچه در ظاهر تغییرات کوتاه صورت گرفت؛ ولی سرشت رژیم پهلوی مبتنی بر استبداد و وابستگی به آمریکا و سبک غربی تداوم پیدا کرد. کشاکش بین روحانیون انقلابی با رژیم پهلوی تا رحلت آیت الله بروجردی وجود

داشت. با عنایت به اینکه تا رحلت آیت الله بروجردی روحانیت کمتر موضوع ورود به سیاست را می پذیرفتند. اقداماتی که توسط رژیم پهلوی دوم پیش از رحلت آیت الله بروجردی اتفاق افتاده و فشارهای مضاعف پهلوی بر روحانیت پس از رحلت آیت الله بروجردی و مبارزه با ماهیت استبدادی رژیم پهلوی و وابستگی ایران به بیگانگان نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) را با سرعت بیشتری به عرصه سیاسی و مبارزاتی وارد کرد.

انقلاب سفید یکی از موضوعات مهم در شتاب مبارزات انقلابی بود. انقلاب سفید در ظاهر، تأمین رفاه اجتماعی را یکی از هدف‌های اصلی خود اعلام و چنین وانمود کرد که رژیم برای مردم ایران؛ فرهنگ، بهداشت، رفاه و امنیت به ارمغان آورده است (سولیوان، ۱۳۷۲: ۳۱۳). در واقعیت چنین نبود. هدف انقلاب سفید مقتدر نشان دادن شاه به جهانیان و تضعیف کشاورزان را به همراه داشت. و حتی برای اقشار مختلف جامعه از جمله، بازاریان، کسبه و به خصوص قشر سنتی و مذهبی و اپوزیسیون رژیم نیز ابزار محدود کننده بود (نجاتی، ۱۳۷۱: ۱۴۸). گفتنی است که؛ دولت امینی، اصلاحات ارضی را در سال ۱۳۴۰ اجرا کرد؛ اما اجرای آن، منافع و خواسته‌های شاه را تأمین نمی کرد و او را به حاشیه تحولات می راند؛ از این رو شاه به طور مستقیم، وارد عمل شد و اصلاحات مورد نظر آمریکا را اجرا کرد. شاه، چند ماه پس از سقوط امینی، طرح خود را در قالب لوایح شش گانه و با عنوان «انقلاب سفید» و یا «انقلاب شاه و مردم» اعلام کرد. اصول شش گانه انقلاب سفید، طرح و برنامه‌ای ریشه دار و عمیق بود که با هدف تحول در ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران در زمان رضاشاه پایه گذاری شد. وی که مأموریت تغییر ساختار ایران را در ابعاد مختلف، و وظیفه خود می دانست، ضربات سنگینی بر نهاد مذهب وارد کرد (زونیس، ۱۳۷۱: ۲۲۱). طرح انقلاب سفید در روز ۱۹ دی ۱۳۴۱ اعلام شد. تصویب لایحه قانونی فروش سهام کارگران در منافع کارگاه‌های تولیدی و صنعتی، لایحه اصلاحی قانون انتخابات، لایحه ایجاد سپاه دانش برای تسهیل اجرای قانون تعلیمات عمومی و اجباری بود. البته طی پانزده سال بعد، چند اصل دیگر از جمله تشکیل سپاه بهداشت، ملی شدن مراتع و سایر موارد به فهرست این اصلاحات افزوده شد (کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۱۲۰). روحانیون و امام خمینی (ره) پس از اعلام انقلاب سفید، مخالفت شدید خود را با آن و همچنین با رفراندوم اعلام کرد.

مخالفت امام خمینی (ره) با اقدامات شاه در نتیجه به رویارویی مستقیم بین شاه و امام

خمینی (ره) انجامید. فاجعه رژیم در مدرسه فیضیه قم در روز ۲ فروردین ماه ۱۳۴۲ که مصادف با وفات امام جعفر صادق (ع) از نمونه بارز آن بود. (مدنی، ۱۳۶۱: ۲۱). بعد از این حوادث نهضت اسلامی وسعت و عمق بیشتری به خود گرفت. در ماه محرم ۱۳۴۲ مصادف با خرداد بود. امام خمینی (ره) از این مناسبت برای مبارزه علیه رژیم پهلوی استفاده کرد. در نتیجه تحولات و وقایع مهم و زیادی تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به وقوع پیوست. موضوع کاپیتولاسیون و حق قضاوت کنسولی، اعتصابات کارگران، مطالبات سیاسی و اجتماعی مردم، اعتراض به وابستگی شاه، بحث جشن ۲۵۰۰ ساله رژیم و بسیاری از وقایع مهم دیگر رخ داد ولی؛ از منظر امام خمینی (ره) ریشه تاریخی نهضت اسلامی از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بوده و نقطه آغاز حرکت انقلابی قلمداد شده است.

۴-۲. روند اندیشه سیاسی و تئوری پردازی نهضت اسلامی ایران

اولین دولت سازی اسلامی در صدر اسلام توسط رسول الله شکل گرفت. در واقع هسته مرکزی حکومت اسلامی و ولایت فقیه به صدر اسلام باز می‌گردد. با رحلت پیامبر امامت و ولایت به معصومین رسید که در این دوره نظام سیاسی مبتنی بر اندیشه معصومین و بر اساس امامت و ولایت بود. بعد از غیبت امام زمان جامعه اسلامی ولی خود را از دست داد و در این زمان نظریه و تئوری‌های متعددی مطرح شد. طرفداران تئوری ولایت فقیه بر این باور بودند که نباید جامعه معطل بماند و برای اداره امور نیاز به فقها جامع شرایط و ولی فقیه است. موضوع ولی فقیه از سوی افرادی چون شیخ مفید، محقق ثانی، کاشف الغطاء، احمد نراقی، میرزای قمی، فضل الله نوری، علامه نائینی و امام خمینی (ره) مطرح شده و هریک به تئوری پردازی از منظر خود پرداختند. در این روند تاریخی اندیشه سیاسی فقها برای دولت سازی نظر داشته‌اند. ریشه تاریخی نظریه ولایت فقیه با شکل کنونی به دوره شیخ مفید باز می‌گردد و ایشان پذیرش منصب از جانب غیر معصوم را مجاز دانسته و برخی مواقع آن را لازم و واجب قلمداد می‌کند (مفید، ۱۴۱۰ه: ۲۱-۴۶). نقطه آغاز نظریه ولایت فقیه در تاریخ معاصر و دولت سازی بر اساس آن نظریه فقهی در اوایل قرن دهم هجری توسط محقق کرکی مطرح شد. همچنین در دوره‌های بعد کاشف الغطاء در اوایل عصر قاجاریه بر این باور بود که فقیه منصوب عام که ماذون از طرف امام معصوم (ع) است. سلطان یا حاکم بر جامعه اسلامی نصب نماید؛ از مصادیق حکام و سلاطین

جور و ظالم نیست. و می‌توان در جوامع اسلامی به این صورت عمل نمود (نجفی، ۱۳۵۰: ۱۵۷). در این دوره محمد حسن نجفی که هم عصر کاشف الغطا است؛ بر این باور است که چرا در موضوع ولایت فقیه تعلل می‌شود در حالی که اگر عموم در موضوع ولایت فقیه تردید قرار گیرد امور مسلمین و شیعیان بر زمین می‌ماند. اگر حکومت مبتنی بر ولایت فقیه اتفاق نیفتد و فقیه تعیین نشود فقه شیعه و گفتار معصوم فهم و عمل نشده است (نجفی، ۱۳۵۰: ۳۹۸). در واقع محمد حسن نجفی (صاحب جواهر) به اثبات ولایت فقیه پرداخته و بر این باور است که اصل ولایت فقیه از جانب ائمه در تعارض و تضاد نیست (نجفی، ۱۳۵۰: ۳۹۸). برخی شاگردان صاحب جواهر اندیشه استاد خود را ادامه دادند برای نمونه شیخ انصاری در کتاب «مکاسب» به اثبات ولایت فقیه پرداخته و در دلایل آن آورده است که اگر در جامعه فقیه نباشد بر مردم واجب کفایی است که اقدام به تعیین آن نمایند (انصاری، ۱۴۱۰ه: ۳۶۰). در این زمینه شیخ انصاری غیر از موضوعاتی که نیازمند به اذن معصوم در زمان غیبت است سایر امور و همه آن‌ها به اذن فقیه و بر عهده ولایت فقیه بوده و از اختیارات آن به شمار می‌آید. در تاریخ معاصر پیش از امام خمینی (ره) موضوع ولایت فقیه توسط علامه نائینی مطرح شده و در دو اثر فقهی «منیه الطالب» و «تنبيه الامه و تنزیه المله» ولایت فقیه را به عنوان منبع دولت سازی در اسلام می‌داند (نائینی، ۱۳۷۹: ۲۶۱) یعنی نظام استبدادی به مشروطه تبدیل شود. اگر آن را کسی که ماذون از جانب معصوم است، یعنی فقیه تایید کند ظلم به امام نیز رفع می‌گردد (نائینی، ۱۳۸۵: ۳۶۰). بین فقها امام خمینی (ره) با بهره‌گیری از سابقه فقها در زمینه ولایت فقیه اقدام به تئوری پردازی و تکمیل آن پرداخته و علاوه بر عرصه نظر در جامعه نیز اجرایی کرد.

امام خمینی (ره) در آثار مختلف خود به موضوع حکومت اسلامی پرداخته است. برای نمونه در اولین اثر خود که بحث ولایت فقیه و تاسیس دولت و حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه را طرح کرد در کتاب کشف اسرار بود و پس از آن در آثاری چون البیع که کتاب فقهی و استدلالی است. در شئون و اختیارات ولی فقیه که به موضوع سیاست در احکام اسلامی، ضرورت حکومت اسلامی، ویژگی و صفات حاکم اسلامی و ولایت فقیه پرداخته است. در رساله اجتهاد و تقلید که بحث تقلید است؛ ولی در اواخر کتاب موضوع ولایت فقیه را اشاره کرده است. و در نهایت در کتاب ولایت فقیه به اثبات تشکیل حکومت اسلامی بر پایه ولایت فقیه پرداخته و آن را در ایران اجرایی کرده است (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۴-۶۸). امام خمینی (ره)

بر این باور بودند که؛ در زمان غیبت امام معصوم، اداره امور جامعه بر عهده فقیه جامع الشرایط است. امام خمینی (ره) در نظریه ولی فقیه از طرفداران ولایت عامه بوده و بر این باور بودند که اختیارات حکومتی فقیه گسترده و وسیع است و همه اختیارات حکومتی زمان پیامبر (ص) و معصوم (ع) بر عهده فقیه بوده و به وی انتقال یافته است. امام خمینی (ره) در مبانی و مشروعیت ولایت فقیه و اختیارات ناشی از آن را از سوی خداوند می داند. امام خمینی دولت سازی اسلامی را در شکل نظام جمهوری اسلامی عینیت بخشید. عینیت بخشی دولت اسلامی در محتوا اسلامی و از منبع الهی در قالب و شکل مردمسالاری و انتخابات بوده است که جمهوری نامیده می شود (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۴/۴۴۴).

۵. عملکرد اخوان المسلمین در فرایند دولت سازی اسلامی

اخوان المسلمین مصر به عنوان نهضت اسلامی در جهان اهل سنت است که سابقه تاریخی طولانی و مهمی دارد. اخوان المسلمین مصر توسط حسن البنا و یارانش پایه گذاری شد. زمانی که اخوان در مصر شکل گرفت، این کشور گرفتار سکولاریسم، ملی گرایی افراطی و انحرافات شده بود. هدف جماعت اخوان اصلاح جامعه مصر و تاسیس نظام اسلامی مبتنی بر فرهنگ و مبانی دینی بود (Al-Banna, 1978: 35). اخوان المسلمین بعد از رهبر و مؤسس خود دچار انشعابات شده و رهبران مختلف و با اندیشه های متکثری را تجربه کرد. در اینجا روند تاریخی و اندیشه سیاسی جمعیت اخوان المسلمین مورد بررسی قرار گرفته است. اخوان المسلمین بعد از بیداری اسلامی سال ۲۰۱۱ میلادی در مصر کوشیده از فرصت های پیش آمده بیشترین سود سیاسی را ببرد. به همین علت در فرایند تاریخی خود دچار دگردیسی، گسست و انقطاع نیز شده است. اگر چه بعد از انقلاب ۲۰۱۱ میلادی اخوان المسلمین در راس قدرت قرار گرفت؛ ولی این تجربه بسیار اندک و مستعجل بود. در اینجا فرایند تاریخی و روند اندیشه سیاسی و تئوری پردازی اخوان المسلمین در دولت سازی مورد بررسی قرار گرفته است.

۵-۱. روند تاریخی جمعیت اخوان المسلمین مصر

جمعیت اخوان المسلمین در مصر با رویکرد صوفی مسلک و اسلام گرا در تقابل با گروه های سکولار در جهان عرب ظاهر شده و شکل گرفت. اخوان در جهت مبارزه با الغای خلافت و

جلوگیری از گسترش الگوی لائیک در جهان اسلام بود. همچنین در تلاش برای احیای مجدد خلافت و بازگشت به دوره خلافت اسلامی فعالیت می‌کرد (Harris, 1964: 114). این نهضت اسلامی سنی در مصر به عنوان اولین و مهم‌ترین داعیه‌دار نوعی نظام اسلامی، توانست هم در زمینه تولید و پردازش نظریه و آرای سیاسی و هم زمینه‌های سیاسی عملی نقش ایفا نماید. اخوان المسلمین از سال ۱۹۲۸ میلادی فعالیت خود را آغاز کرد، در سال ۱۹۴۸ موسس و رهبر اخوان حسن البنا ترور شد و بعد از وی حسن الهضیبی جانشین وی شد. به این صورت که تا برهه انقلاب ۲۰۱۱ میلادی اخوان المسلمین علاوه بر انشعابات و شاخه‌بندی رهبران و مرشد عام متعددی را تجربه کرد. پس از انقلاب قدرت دست اخوان المسلمین افتاد و این اخوان بعد از انقلاب در مصر با اخوان دوره حسن البنا تفاوت زیادی داشت. اخوان دوره حکومت داری محدودی داشته و بعد از یک سال تجربه دولت داری و تاسیس نظام سیاسی سقوط کرد. در سال ۲۰۱۳ رفته رفته مخالفت با اخوانی‌ها زیاد شد (قاسمی، ۱۳۹۴: ۸۹). و علت سقوط اخوان المسلمین در مصر و ناکامی در استقرار و تثبیت دولت اسلامی ریشه در عوامل و متغیرهای متعددی داشت؛ مهم‌ترین آن خلاء اندیشه سیاسی مستحکم، ناتوانی در اداره سیاسی کشور، وابستگی به آمریکا و انحصارگرایی از عمده آن‌ها بودند.

درباره وضعیت اخوان المسلمین پیش از وقوع انقلاب ۲۰۱۱ میلادی گفتنی است که؛ از مدت‌ها پیش حتی قبل از وقوع انقلاب سال ۲۰۱۱ مصر، این شایعه در رسانه‌های مکتوب و مجازی جریان داشت که بین اخوان المسلمین و آمریکا یک نوع همکاری پنهان وجود دارد. اخوان المسلمین نسبت به سایر احزاب از جمله «وفد» از پایگاه مردمی گسترده‌تری برخوردار بود (حنفی، ۱۳۹۱: ۲۱) از همین رو در انتخابات پارلمانی مجلس ملی مصر در سال ۲۰۰۵ با تأیید آمریکا توافقی بین نظام مبارک و اخوان المسلمین صورت گرفت که طبق آن جایگاه دوم در مجلس به آن‌ها داده شد. اخوانی‌ها ۸۸ کرسی (یک پنجم کرسی‌ها) را از آن خود کردند. آمریکایی‌ها با اذعان به توان اخوان المسلمین با وارد کردن آن‌ها به بازی قدرت می‌خواستند اخوان المسلمین را مدیریت کرده و مانع از سنگ اندازیشان در روند انتقال آرام قدرت از حسنی مبارک به جمال (پسر حسنی مبارک) شوند. در مقابل اخوانی‌ها نیز می‌دانستند که مخالفت با این جانشینی، فایده‌ای عایدشان نمی‌شود و هر گونه مخالفت با این مساله، سرکوب و حبس و حتی خطر از بین رفتن موجودیت جنبش را به دنبال دارد. این احتیاط‌ها، نزدیکی بیشتر

اخوانی‌ها به آمریکایی را رقم می‌زد. در انتخابات ۲۰۱۰ حتی یک نفر از اخوانی‌ها نتوانستند وارد پارلمان شوند. اخوانی‌ها وقوع انقلاب مردمی را حتی پیش‌بینی هم نمی‌کردند و با احتیاط کامل و تا حدی دیر هنگام از انقلاب حمایت کردند. همکاری بین اخوان المسلمین و آمریکا بعد از انقلاب به ویژه در دوران تحول دموکراتیک کشور هم استمرار پیدا کرد؛ دوره‌ای که فضا باز شده و هر گروهی می‌توانست سهم خود را از انقلاب بردارد. این همکاری با پیروزی اخوان در انتخابات و همه پرس‌و‌پرسی قانون اساسی قوی‌تر هم شد؛ زیرا این گروه به اکثریت کرسی‌های مجلس و سپس کمیته تدوین قانون اساسی دست یافت تا بتواند قانونی اساسی برای چند دهه آینده مصر بنویسد و به همین دلیل سکولارها را در داخل و خارج دچار وحشت کند (باقری و غلامی، ۱۳۹۶: ۹۸-۱۰۴). آمریکا پس از انقلاب مجدانه تصمیم گرفته بود که مناسبات رسمی با اخوان المسلمین مصر را گسترش دهد. با قدرت‌گیری محمد مرسی در مصر، اخوان المسلمین مرسی را انحصارگرا دانسته و محمد مرسی را متهم به در انحصار گرفتن قدرت کرد. مرسی نیز اخوانی‌ها را متهم به تلاش برای برهم ریختن اوضاع متهم می‌نمود. در جریان این، آشوب‌های سیاسی، اعتراضات، قطع برق و کمبود بنزین نیز به وقوع پیوست که مخالفان آن‌ها را دلیلی بر سوء مدیریت مرسی می‌دانستند (کربوسه، ۱۳۹۷: ۲-۶). این مخالفت‌ها از همان آغاز انتخابات مرسی وجود داشت. وی در طی دو دور انتخاباتی به ریاست جمهوری دست یافت. در دور اول ۲۵ درصد آراء را در حالی بدست آورد که مهم‌ترین رقیبش، احمد شفیق، ۲۴ درصد آراء را بدست آورده بود. در دور دوم نیز او در حدود ۵۲ و احمد شفیق در حدود ۴۸ درصد آراء را بدست آوردند. بنابراین، پیروزی اخوان در انتخابات از همان اول متزلزل بود. با کودتای ۳ جولای ۲۰۱۳ و کنار رفتن مرسی، چند روز پیش از اولین سالگرد تحلیف محمد مرسی، موج جدیدی از اعتراضات علیه مرسی به نام جنبش تمرد به نمایندگی محمد البرادعی شکل گرفت (احمدیان، ۱۳۹۸: ۱۱-۱۸). معترضان محمد مرسی را به تلاش برای گسترش اختیارات خود و اخوان المسلمین متهم کرده و خواهان کناره‌گیری مرسی از قدرت و برگزاری انتخابات زود هنگام بودند. مرسی نیز گفته بود که منتخب مردم است و کنار نمی‌رود. چند روز پس از اوج‌گیری اعتراضات هفت تن از وزرای مرسی و نخست‌وزیر مصر، هشام قنديل، استعفا کردند. در چنین شرایطی ارتش مصر در ۱۷ ژوئیه ۲۰۱۳ میلادی مهلت ۴۸ ساعته داده بود تا اختلافات حل شوند در غیر این صورت مداخله خواهد کرد. مرسی و اعضای بلندپایه

اخوان المسلمین مصر در پاسخ، این کار ارتش را دخالت در سیاست خوانده بود. ارتش مصر نیز در شامگاه ۳ جولای ۲۰۱۳ پس از تمام شدن ضرب الاجل دو روزه اعلام کرده بود که بیانیه‌ای صادر خواهد (mashregnews.ir). او طی کودتایی و با بیانیه فرمانده ارتش مصر عبدالفتاح السیسی و حمایت نماینده مخالفان دولت محمد البرادعی، شیخ الازهر شیخ احمد الطیب و پاپ مسیحیان قبطی مصر پاپ تواضروس دوم از قدرت برکنار شد. طی همان بیانیه عدلی منصور، رئیس دادگاه قانون اساسی مصر به عنوان رئیس جمهور موقت دولت انتقالی تعیین شد. چندین ساعت بعد محمد بدیع رئیس اخوان المسلمین مصر بازداشت شده اما روز بعد آزاد شد، همچنین ۳۰۰ نفر از سران اخوان تحت تعقب قرار گرفته و شخص محمد مرسی در گارد ریاست جمهوری بازداشت گردید. در ۱۹ آگوست ۲۰۱۳ مرشد عام اخوان، محمد بدیع دستگیر شد. رهبر عام اخوان خط قرمزی بود که حسنی مبارک هم جرأت دستگیری وی را نداشت.

دادگاه عالی اداری مصر، بالاترین مرجع قضایی اداری این کشور، شاخه سیاسی اخوان المسلمین در مصر، یعنی حزب آزادی و عدالت را در ۹ آگوست ۲۰۱۴ منحل اعلام کرد و همه دارایی‌های حزب آزادی و عدالت را ضبط کرد تا تمایلات و فعالیت‌های سیاسی و احتمالی این حزب و مهم‌تر از آن کل اخوان المسلمین در مصر را از این به بعد متوقف شدند (theguardian.com).

۵-۲. روند اندیشه سیاسی و تئوری پردازی جمعیت اخوان المسلمین مصر

اندیشه سیاسی اخوان المسلمین در دوره تاریخی و حیات سیاسی خود به دو گفتمان اصلی قابل تقسیم است؛ نخست، گفتمان اندیشه خلافت و حکومت اسلامی (از سال ۱۹۲۸ تا ۲۰۱۱) و دیگری، گفتمان اندیشه نظام دموکراتیک و تمرکز بر حکومت عرفی (از دهه ۱۹۹۰ و پس از آن) بود. بر اساس تقسیم‌بندی سیر تطور تفکر گفتمانی اخوان، روند تحول فراز و فرود زیادی را تجربه کرده است. جمعیت ابتدا در مقابل امواج ملی‌گرایی و سکولاریسم و در جهت ایجاد جریان معتدل اسلام‌گرا شکل گرفت. این جنبش در صدد احیای خلافت اسلامی بود و به همین علت در کشورهای مختلف عربی گسترش یافت. اما به تدریج از نظر تفکر و رویکردهای سیاسی دچار تحول و تکثر شد و به خصوص از ایده خلافت اسلامی به سوی ایده حکومت اسلامی سوق پیدا کرد.

گرچه اخوان المسلمین در ابتدا رویکردی غیر سیاسی را اعلام کرد؛ ولی تمایل به خلافت اسلامی داشت. اما با سپری کردن مراحل رشد و توسعه، تفکرات و رویکردهای سیاسی خود را آشکارا مطرح و دنبال کرد. از دیدگاه، اخوان المسلمین «خلافت» سمبل وحدت اسلامی و مظهر ارتباط ملت‌های مسلمان و احساسی اسلامی بود که اندیشیدن به آن بر هر مسلمانی واجب است (محمد، ۱۳۸۴: ۴۸-۷۳). اندیشه سیاسی اولیه اخوان المسلمین با تأکید بر خلافت اسلامی و تقابل با ملی‌گرایی، رویکردهای سکولار، تکثرگرایی حزبی و مبتنی بودن بر اصول و اندیشه‌های اسلامی، با ایده دولت مدرن دموکراتیک در تعارض قرار داشت.

بعد یک دوره جماعت اخوان از اندیشه خلافت گذر کرده و به سوی حکومت اسلامی حرکت می‌کند و در این چارچوب با صرف نظر کردن از شرایط مجری و حاکم، اجرای شریعت اسلامی را مهم تلقی می‌کند. بر این اساس فضای سیاسی خاص و انحصارگرایی اخوان المسلمین به تدریج خود را به فضای متکثر و تحزب‌گرا نزدیک می‌کند. اخوان که ابتدا رویکرد انحصارطلبی حزبی را مد نظر داشت، سعی کرد در مفهوم انحصارطلب خود تجدیدنظر کند و به رویکرد جمعیت تکثرگرا نزدیک شود. در این راستا در مارس ۱۹۹۴ دو یادداشت رسمی مهم درباره زنان مسلمان در جامعه اسلامی، شورا و نظام چندحزبی منتشر کرد. یادداشت دوم که به شورا و نظام چندحزبی مربوط بود، با مسائل بین شورا و دموکراسی جدید تطابق داشت و خاطر نشان می‌کرد که ملت منبع قدرت است و آن را به شخص مورد اعتماد خود واگذار می‌کند. با این حال، تأکید داشت، این قانون باید از اصل شریعت و اهداف و مقاصد و اصول کلی آن گرفته شده باشد. این یادداشت شعار سنتی اخوان یعنی «قرآن، قانون اساسی ماست» را به این مضمون تفسیر و توجیه می‌کند و بر حفظ آزادی‌های عمومی و خصوصی و تعیین مسئولیت رهبران و چگونگی رسیدگی به اعمال آنها در مقابل پارلمان، آن هم به صورت آزاد تأکید می‌کند (محمد، ۱۳۸۴: ۲۶۲).

اخوان المسلمین مصر سه دیدگاه مختلف را در موضوع سیاست و حکومت از همدیگر متمایز ساخت که در طول تأسیس این جنبش و دهه‌های گذشته ایجاد شده است. اولین دیدگاه، همان دیدگاه اولیه اخوان المسلمین است که به لزوم حاکمیت حکومت خلیفه‌ای یا خلافت اسلامی مانند صدر اسلام برای پیاده‌سازی دستورات شریعت اعتقاد دارد. در حال حاضر، این دیدگاه طرفداران کمتری دارد. دیدگاه دوم به لزوم تشکیل حکومت اسلامی در مصر باور دارد و از طرفداران قابل توجهی برخوردار است. دیدگاه یا طیف سوم که در سال‌های اخیر به وجود

آمده است به آزادی‌های مدنی و الگوهای غربی در مشارکت سیاسی و آزادی‌های اجتماعی معتقدند. این طیف طرفدار فعالیت زنان، آزادی احزاب سیاسی و حکومتی لیبرالی‌اند. در حالی که اخوان‌المسلمین سعی در حفظ انسجام داخلی و ارائه رویکرد و مواضع سیاسی واحدی است، این تکثر به تناقضات جدی منجر شده است.

اندیشه سیاسی اخوان‌المسلمین در برهه انقلاب و دولت‌سازی در مصر از مبانی فکری یوسف قرضاوی به عنوان نظریه پرداز این گروه استفاده شده بود. مرحله گذار به مردم‌سالاری را در مصر اخوانی‌ها زود هنگام انجام دادند. یعنی زمانی که انقلاب در مصر به وقوع پیوست جمعیت اخوان‌المسلمین به لحاظ اندیشه‌ای و سیاسی آمادگی برای این مرحله را نداشتند تا پس از سرنگونی رژیم سیاسی مبارک دولت تاسیس کنند و بتوانند آن را اداره نمایند و به همین دلیل اخوانی‌ها و رهبران اصیل آن نتوانستند گروه‌های متعدد و مختلف را با خود همسو کنند یا بتوانند آن‌ها را سازماندهی کنند تا از طریق آن یک دولت اسلامی تاسیس کنند. در نتیجه رهبران افراطی اخوان با نمایندگی مرسی و با پیشه کردن موضع افراطی و تند این ماموریت را برعهده گرفت (فیرحی و عسگری صدر، ۱۳۹۷: ۱۲۲-۱۲۴).

۶. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در پی بررسی تطبیقی عملکرد انقلاب اسلامی ایران و اخوان‌المسلمین مصر بود. مقایسه این دو نشان می‌دهد نهضت اسلامی در ایران دارای نظریه نظام ساز بوده و جنبش اخوان‌المسلمین مصر فاقد تئوری از پیش طراحی شده بود. اخوان‌المسلمین در ابتدا موفق به تشکیل دولت به رهبری محمد مرسی شد؛ ولی این دولت مستعجل بود. خلاء رهبری و نبود رهبر مورد قبول همه گروه‌ها از موانع تداوم و بقا آن بود. در علت عدم موفقیت اخوان در دولت‌سازی عوامل و متغیرهای مختلفی دخیل بودند؛ مهمترین آن فاصله بین آرمان انقلابی و دولت اسلامی بود. یعنی اخوانی‌ها به عنوان نماینده جریان اسلام‌گرا مشی واحدی در دولت‌سازی نداشتند. در انقلاب اسلامی ایران، اسلام‌گرایان مشی واحدی داشتند؛ اگر هم مخالفتی بود بسیار کمتر بود. قانون اساسی در ایران بر اساس شریعت اسلامی و با سرعت انجام شد. در مصر تدوین قانون اساسی با مناقشه میان احزاب اسلامی همراه بود و به نتیجه نرسید. ارتش قبل از پیروزی انقلاب اسلامی با مردم همراهی کرد و بعد از انقلاب با امام بیعت کردند؛ این در حالی

بود که ارتش عامل کودتا در مصر بود. ارتش از موانع اساسی شکل گیری دولت اسلامی در مصر به شمار می آمد. امام خمینی (ره) مانع حضور احزاب و گروه های غیر اسلامی در نظام جدید التاسیس نشد (یعنی دچار انحصارگرایی نشد)؛ ولی اخوان المسلمین انحصارگرایی را پیشه خود ساخته و مانع حضور جریان های غیر اخوانی در دولت شد. در نتیجه علاوه بر تفاوت اندیشه سیاسی در فرایند دولت سازی، تفاوت در بینش رهبران دو نهضت و روش اجرایی و پیاده سازی دولت نتایج متفاوت در عملکرد آن دو را به همراه داشت.

کتابنامه

۱. احمدیان، حسن (۱۳۹۸)، مبانی حکمرانی اخوان المسلمین در مصر: چالش‌های تحکیم نظام جایگزین، فصلنامه دولت پژوهی، دوره ۵، شماره ۱۹، پاییز، صفحه ۱-۳۶.
۲. استادیان خانی، علیرضا و محمد اصغریان دستنایی (۱۳۹۹)، واکاوی فرایند رویارویی پهلوی دوم با نهاد روحانیت از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷، مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۱۷، شماره ۶۰، تابستان، صفحه ۱۱۱-۱۲۹.
۳. اسماعیلی، محمد مهدی (۱۳۹۹)، تعامل جنبش‌های اصلاحی جهان اسلام: اخوان المسلمین و نهضت اسلامی ایران از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۹، مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۱۷، شماره ۶۰، تابستان، صفحات ۱۳۳-۱۵۴.
۴. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. امیری مقدم، رضا و دیگران (۱۳۹۹)، آسیب‌شناسی بیداری اسلامی در کشورهای مصر، تونس و لیبی، فصلنامه امنیت ملی، سال ۱۰، شماره ۳۷، پاییز، صفحات ۴۳-۸۴.
۶. انصاری، مرتضی (۱۴۱۰)، المکاسب، المجلد التاسع، قم: مؤسسه دارالکتاب.
۷. باقری، حسن و روح‌الله غلامی (۱۳۹۶)، راهبرد ایالات متحده در قبال بیداری اسلامی، مطالعه موردی کشور مصر فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۶ صص ۲۱۳-۱۸۹.
۸. البنا، حسن (۱۳۵۸). خاطرات حسن البنا: بنیانگذار نهضت اخوان المسلمین، (مترجم) جلال الدین فارسی، تهران: برهان.
۹. ترحمی بهابادی، احمد، عنایت‌الله یزدانی و محمد علی بصیری (۱۳۹۹)، تبیین مولفه‌های موثر بر سقوط دولت محمد مرسی و افول جنبش اخوان المسلمین در مصر، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ۱۰، شماره ۳، پاییز، صفحه ۹۹-۱۳۵.
۱۰. حنفی، حسن (۱۳۹۱)، رابطه اخوان المسلمین و آمریکا، انتخاب، قابل دسترسی سایت انتخاب.
۱۱. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵)، کتاب البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۲. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۶)، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی.
۱۳. راد مرد، محمد (۱۳۹۹)، موضع پهلوی دوم در قبال اپوزیسیون مذهبی در وضعیت انقلابی، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال ۶، شماره ۳۳، تابستان، صفحه ۷-۲۵.

۱۴. رهدار، احمد، غلامرضا بهروزی لک و حامد اسلامی (۱۳۹۹)، تحلیل روند ایده پردازی پیرامون نهاد ولایت فقیه در دوره دوم جمهوری اسلامی، فصلنامه علوم سیاسی، سال ۲۳، شماره ۸۹، بهار، صفحه ۹۹-۱۲۰.
۱۵. زونیس، ماروین (۱۳۷۱)، شکست ماهانه، ملاحظاتی درباره سقوط شاه ترجمه اسماعیل زند و بتول سعیدی، تهران: نشر نو.
۱۶. سولیوان، ویلیام و پارسونز، آنتونی (۱۳۷۲)، خاطرات دو سفیر، اسراری از سقوط شاه و نقش آمریکا و انگلیس در انقلاب اسلامی، ترجمه محمود طلوعی، تهران: انتشارات علم.
۱۷. شیخ الاسلامی، محمد حسن و دیگران (۱۳۹۸)، ناکامی فرایند دموکراسی در مصر بعد از انقلاب ۲۰۱۱ از منظر نظریه عجم اوغلو-رابینسون، پژوهش‌های روابط بین الملل، دوره ۹، شماره ۳۲، تابستان، صفحه ۱۶۱-۱۸۲.
۱۸. عالیشاهی، عبدالرضا و حسین مسعود نیا و یونس فروزان (۱۳۹۹)، گذار به موج دوم انقلاب: تجزیه و تحلیلی بر عملکرد دولت اقتدار گرای عبدالفتاح السیسی در مصر پسا مرسی، مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ۹، شماره ۳۵، پاییز، صفحه ۷۳-۹۶.
۱۹. فیرحی، داود و اکبر عسگری صدر (۱۳۹۷)، علل شکست اخوان المسلمین مصر پس از سرنگونی مبارک، فصلنامه علوم سیاسی، دوره ۲۱، شماره ۸۲، صفحه ۹۹-۱۱۰.
۲۰. قاسمی، بهزاد (۱۳۹۴)، اخوان المسلمین مصر و تجربه نظام سیاسی: از برآمدن حسن البنا تا بر افتادن محمد مرسی، تهران: موسسه اندیشه سازان نور.
۲۱. قاسمی، مصطفی، محمد علی بصیری و عنایت الله یزدانی (۱۳۹۹)، روابط جمهوری اسلامی با اخوان المسلمین؛ از همسویی استراتژیک تا رقابت ایدئولوژیک، پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ۹، شماره ۳۲، بهار، صفحه ۳۰-۶۶.
۲۲. کربوسه، عمرانی (۱۳۹۷)، نظام سیاسی مصر بعد از انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱؛ بین چالش اخوان المسلمین و حکومت ارتش، مترجم علیرضا طاقتی، تهران: دانشکده مطالعات بین الملل.
۲۳. کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۶۸)، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: انتشارات پایروس.
۲۴. گشنیز جانی، کامران و علی محمد حاضری (۱۳۹۹)، مطالعه تطبیقی تاثیر ساختارهای

- فرصت سیاسی بر فرجام جنبش‌های اسلام‌گرا در انقلاب‌های ایران و مصر، مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ۹، شماره ۳۵، پاییز، صفحه ۹۷-۱۲۱.
۲۵. محمد ابراهیم و دیگران (۱۳۸۴)، جمعیت اخوان المسلمین مصر، ترجمه اندیشه‌سازان نور، تهران: اندیشه‌سازان نور.
۲۶. مردای پور دهنوی، امیر حسین و محمد ستوده (۱۳۹۸)، بررسی عوامل سیاسی - اجتماعی ناکامی‌های بیداری اسلامی در مصر بر اساس مکعب بحران، سیاست متعالیه، سال ۷، شماره ۲۷، زمستان، صفحات ۲۶۷-۲۹۷.
۲۷. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۰ق)، المقنعه، قم: نشر الاسلامی.
۲۸. نائینی، محمد حسین (۱۳۷۶)، منیه الطالب، ج اول، قم: موسسه نشر اسلامی.
۲۹. نائینی، محمد حسین (۱۳۸۵)، تنبیه الامه و تنزیه المله، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳۰. نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۱)، تاریخ سیاسی ۲۵ ساله ایران از کودتا تا انقلاب، تهران: رسا.
۳۱. نجفی، محمد حسن (۱۳۵۰)، جواهر الکلام فی شرایع السلام، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
32. Al-Banna, Hassan, (1978), Five Tracts of Hasan Al-banna: A Selection from the Majumuat Rasail al-imam al-Shahid Hasan al-banna, translated and annotated by Charles Wendell, Berkeley: University of California press.
33. Harris, Christina Phelps (1964), Nationalism and Revolution in Egypt: the role of The Muslim Brotherhood, New York: Hyperion press.
34. www.mashreghnews.ir/fa/news/
35. www.theguardian.com/world/2014/